

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۷/۳،
پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۸۱-۶۵

تضارب آرای شیخ طوسی و نجاشی درباره حریر بن عبدالله سجستانی*

دکتر مهدی بیات مختاری

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: m.mokhtari38@gmail.com

چکیده

حریر بن عبدالله ازادی کوفی سیستانی، از صحابیان امام باقر و صادق ع، در میراث مکتب اهل بیت نقشی گسترده دارد. منقولات وی در «الکافی»، «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب الأحکام» و «الإستبصار»، طبق بررسی آماری راقم این سطور به مرز ۱۸۰۰ حدیث می‌رسد. نجاشی کنیه وی را «أبو محمد» قلمداد کرده و کلامش ظهور دارد که او از اعراب اصیل آزد یمن است و به نقل از «یونس» روایت وی را از امام صادق ع به یک و یا دو مورد منحصر دانسته و بعلاوه تصریح کرده «حریر» به دلیل قیام مسلحانه، مطرود و محجوب امام صادق ع واقع گشت و امام ع رابطه‌اش را از او گسست. رویکرد نجاشی سبب شد که برخی منابع متأخر، تعبیرات «مذمومٌ فی الروایة»، «مذمومٌ ذمّاً ما» و «رمی بالذم» را که حاوی جرح است، درباره «حریر» به کار ببرند.

در این مقاله به استناد رجال کُشی که طوسی آن را تنقیح و بازنویسی کرده، کنیه وی «ابوعبدالله» به شمار آمده و نیز اشاره شده که طوسی، وی را عرب «ولایی» و «الحاقی» و «عجمی الأصل» دانسته و افزون اینکه مأثورات «حریر» به نقل از امام صادق ع در کتب اربعه، نه دو حدیث بلکه بیشتر از «۲۳۰» حدیث است؛ و با توجه به منابع دیگر، آن آمار افزایش چشمگیری می‌یابد. واکاوی و پژوهش در منابع، حاوی این است که «حریر» خود، شمشیر از نیام برنکشیده، بلکه حکم شرعی اولی را بیان کرده و بعلاوه طرد امام صادق ع، مستلزم جرح و تضعیف وی نیست و برای اتقا و حفظ جان و مال وی و دیگران انجام پذیرفته و از طرفی شیخ طوسی و برخی دیگر، وی را از ثقات فقهاء شیعه به شمار آورده‌اند.

کلید واژه‌ها: حریر بن عبدالله سجستانی، نجاشی، طوسی، جرح و تعدیل، تضارب آراء.

* . تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱.

مقدمه

أبو عبدالله حریر بن عبدالله سجستانی که از عالمان و فقهاء مکتب شیعه به شمار می‌آید، در قرن دوم هجری می‌زیسته است. وی از صحابیان امام باقر و صادق ع بوده و به استناد روایتی - که احتمال تصحیف در آن وجود دارد - از امام کاظم علیه‌السلام نیز به نقل پرداخته است (ابن بابویه، ۳/ ۱۵۳، ح ۳۵۵۷). اکثر رجالیان از جمله شیخ طوسی وی را ثقه و فقیهی عظیم‌الشأن می‌دانند محل سکونت اولیه وی کوفه بوده و به دلیل تردد فراوان به سیستان برای تجارت روغن و یا به عقیده شیخ طوسی از جهت سکونت در همان جا، علاوه بر ازدی و کوفی، به «سیستانی» نیز مشهور شده است. وی در سیستان، با داشتن فقاقت و مرجعیت، رهبری شیعیان اندکی را که در آنجا بودند، بر عهده داشت و به دست گروه خوارج همان منطقه کشته شد (برقی، ۴۱؛ کشی، ۷۱۹؛ ابن بابویه، ۳/ ۱؛ طوسی، رجال، ش ۲۴۱۶؛ فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ش ۲۴۹؛ ابن داوود، ۷۱، ش ۳۹۳؛ نجاشی، ش ۳۷۵؛ علامه حلی، ایضاح الإشتباه، ۱۶۵، ش ۲۳۵؛ خلاصة الأقوال، ۱۳۴، ش ۴).

نجاشی کتبه او را «ابو محمد» گزارش کرده و با تعبیر «قیل» که حاوی ضعف و ایتقان نداشتن است، او را راوی از امام صادق ع معرفی کرده و به نقل از «یونس بن عبدالرحمن» روایاتش را از آن امام، به یک و یا دو مورد منحصر کرده و نه تنها وی را توثیق نکرده، بلکه تصریح کرده که «حریر» به سبب قیام مسلحانه، مطرود امام صادق ع واقع شد. در این مقاله رویکردهای مذکور با تکیه بر اسناد، واکاوی و نقد شده‌اند و مواضع محققانه و ستایش آمیز طوسی در برابر وی، تأیید شده‌اند.

۱- جایگاه حریر در میراث روایی شیعه

حریر از امام باقر و صادق علیهما‌السلام به نقل پرداخته و بعلاوه از شاگردان آن دو امام والامقام و امام سجّاد : نیز به فراوانی، حدیث نقل کرده است. روایات وی در «الکافی»، «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب الأحکام» و «الاستبصار» و سایر منابع بنیادین حدیث، به فزون منقول است. اخباری که وی در سند آن قرار گرفته، با پژوهش رایانه‌ای، تنها در کتب اربعه و وسائل الشیعه با ویژگی تکرار «۳۷۸۳» حدیث است. در گذشته و حال، فقیهان در أبواب مختلف فقهی، با استناد به آنها فتوی داده و پیروان مکتب امامت در عمل به محتوای آن نیز پایبند بوده‌اند. وی که فقیهی نامبردار بوده است دفعاتی چند با علمای مکتب خلافت از جمله

«ابوحنیفه» به بحث پرداخته است. پاسخهای وی به ابوحنیفه در ارتباط با طلاق، عبد مکاتب و حیوانات دریایی، به خوبی حاوی احاطه وی به کتاب و سنت است (کشئی، ش ۷۱۸؛ مفید، ۲۰۶).

صدوق (م ۳۸۱ ه. ق.) در مقدمه «من لایحضره الفقیه» نخستین منبع معتبر کتاب خویش را، کتاب «حرز» برشمرده است (۳/۱) و در «المشینه» تصریح کرده که به کتب و روایات «حرز» پنج طریق دارد که همه بدون استثناء، طبق معیارهای علم رجال صحیح هستند (همان، ۴ / ۴۲۵ و ۴۴۳، المشیخه؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ۵ / ۲۳۴، ش ۲۶۴۵).

ابن ندیم بغدادی (م ۴۳۸ ه. ق.) دو بار از وی یاد کرده است: نخست تحت عنوان «الکتب المصنفة فی الأصول و الفقه» به کتاب وی اشاره می‌کند (۲۷۵) و سپس در موضع دیگر با تعبیر «جریر بن عبد الله و له من الکتب»، چهار مورد از نگاشته‌های وی را با عنوان: «الزکاة، الصلاة، الصیام و النوادر» گزارش کرده است (۲۷۷).

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه. ق.) هم نگاشته‌های وی را همان کتب چهارگانه گزارش شده ابن ندیم برشمرده و بعلاوه همگی را جزو اصول و کتب معتمده به شمار آورده است.^۱ وی تأکید می‌کند که جمیع کتب و روایات «حرز» از سه طریق به ما رسیده است. آیه الله خویی و دیگران با تعبیر «و طریق الصدوق کطریق الشیخ إلیه، صحیح» تصریح کرده‌اند که طرق صدوق و طوسی به حرز همگی صحیح هستند (طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ش ۲۴۹؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ۵ / ۲۳۴، ش ۲۶۴۵).

نجاشی (م ۴۵۰ ه. ق.) به سه کتاب روایی «حرز» اشاره می‌کند: دو کتاب در باره «نماز» که یکی مفصل و دیگری مختصر است، و کتاب «نوادر». وی طرق دوگانه ذیل را برای خود برشمرده است: کتاب مفصل وی را در باره «نماز» به شیوه قرائت از طریق محمد بن عثمان، جعفر بن محمد بن عبید الله موسوی، عبید الله بن أحمد بن نهیک، ابن اَبی عمیر، حماد بن عیسی دریافت کرده و کتاب «نوادر» وی را از طریق حسین بن عبید الله غصائری، محمد بن فضل بن تمام، محمد بن علی بن یحیی أنصاری، علی بن مهزیار اهوازی، حماد تلقی کرده است (نجاشی، ش ۳۷۵).

۱. اصول به کتابهای اطلاق می‌گردد که در آن صاحب اصل بی واسطه و یا با واسطه به نقل از امام معصوم ۷ می‌پردازد و به نقل روایات بسنده کرده و فعالیت‌های فقه الحدیثی مانند نقض و إبرام، جمع بین دو خبر متعارض و یا حکم به صحت و شاذ بودن خبر، در آن نگاشته به چشم نمی‌خورد. اما «مصنفات» یا علی الأصول در زمینه غیر حدیث تألیف شده‌اند. و یا اگر هم حدیثی است، به کاوش و نقض و إبرام در احادیث پرداخته شده است (شوشتری، ۱ / ۶۵).

ابن ندیم و طوسی کتاب «الزکاة» و «الصیام» را از مصنّفات حرّیز، برشمرده‌اند و نجاشی به آن دو اشاره ای نکرده است. شاید راز اینکه نجاشی «الزکاة» را در عداد نگاشته های حرّیز به شمار نیاورده، این باشد که آن را از کتب حمّاد بن عیسی، محسوب می‌کند. نجاشی می‌نویسد: اغلب روایات کتاب زکات حمّاد به نقل از «حرّیز» است. (نجاشی، ش ۳۷۰). در طرق صدوق، طوسی و نجاشی به حرّیز که روی هم رفته ده طریق است، در حلقه نهایی «حمّاد بن عیسی» قرار دارد.^۱

با توجه به انفکاک ناپذیری تعلّم از تربیت و تأثیر اساتید در تکوین بینش و عقیده شاگردان، می‌توان با مرور برخی از اساتید حرّیز، تا حدودی به شخصیت والای او، روزنه ای گشود. اکثر قریب به اتفاق مشایخ وی، از ثقات و صحابیان نامبردار امام سجّاد، باقر و صادق : هستند. ما برای ایجاز به نام برخی در ذیل اشاره می‌کنیم: أبان بن تغلب (کشی، ش ۸۸)، إسحاق بن عمّار (کلینی، ۴۴۲/۲، ۵)، فضیل بن یسار (کلینی، ۲۲۲/۱، ۲)، معلى بن خنیس (کلینی، ۲۲۳/۲، ۸)، ولید بن صبیح (کلینی، ۳۳۰/۵، ۱)، إبراهیم بن نعیم (حر عاملی، ۴۷۲/۳، ۴۲۰۹/۴)، إسماعیل بن عبد الخالق جعفی (کلینی، ۲۵/۴، ۱)، برید بن معاویه عجللی (کلینی، ۴۰/۱، ۲)، بکیر بن أعین (کلینی، ۲۷۴/۵، ۲)، حمران بن أعین (کلینی، ۲۷۹/۵، ۴)، حمزه بن حمران (کلینی، ۶۳/۶، ۴)، زاررة بن أعین (کلینی، ۴۰/۱، ۲)، زید شحام (کلینی، ۲۸۰/۳، ۸)، سُدیر صیرفی (کلینی، ۱۳/۴، ۱)، سلیمان بن خالد (ابن بابویه، ۱۳۶/۳، ۳۵۰۵)، عبدالرحمن بن أبی عبد الله (کلینی، ۱۷۰/۳، ۲)، عبدالله بن أبی یغفور (کلینی، ۴۸/۳، ۴)، عبدالله بن بکیر (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۲۲/۴۳/۱)، عبدالملک بن أعین (کلینی، ۲۹۴/۴، ۱۸)، علی بن یقطین (کلینی، ۵۱۸/۳، ۸)، عمّار ساباطی (کلینی، ۲۸۲/۵، ۳)، عمر بن أذینه (طوسی، همان، ۱۶/۴، ۴۰/۴)، عمر بن حنظله (همان، ۱۴۷/۴، ۴۰۸)، عمر بن یزید (کلینی، ۵۲۳/۳، ۸)، عیسی بن عبد الله قمی (طوسی، همان، ۱۰۸۹/۲۷۴/۲)، محمد بن مسلم (کلینی، ۴۰/۱، ۲)، محمد بن إسحاق (ابن بابویه، ۴۶۵۴/۴۷۳/۳)، محمد حلبی (کشی، ش ۲۶۹)، مرازم (ابن بابویه، ۳۳۳/۱، ۹۷۹)، معاویه بن عمار (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۹۹/۹، ۷۹۵)، أبوبصیر (کلینی، ۷/۳، ۲)، یزید بن فرقد (طوسی، همان، ۷۳/۴، ۲۰۲)، یعقوب قمی (کلینی، ۵۱۷/۲، ۱).

عده ای بسیاری از محدثان مکتب تشیع که بسیاری از آنان از اصحاب اجماع و مشایخ

^۱ نجاشی می‌نویسد: أبو محمد حمّاد بن عیسی (م ۲۰۹ هـ. ق)، جزو موالی قبیله «جهنه» و گفته شده که عرب اصیل است؛ ثقه، صدوق و جزو صحابیان امام صادق، کاظم، رضا و جواد : است. «له کتاب الزکاة اکثره عن حرّیز و یسیر عن الرجال»؛ اغلب روایات کتاب زکات وی، به نقل از «حرّیز» است (نجاشی، ش ۳۷۰).

ثقات هستند، از وی تحمل حدیث کرده‌اند. تلمذ و نقل أجلء و ستارگان درخشان و اعتمادشان بر وی، به روشنی حاوی جلالت «حریز» است و هرگز اینان از فرد غیر «ثقه» و «فقیه» به نقل نخواهند پرداخت: حسن بن علی بن فضال (کلینی، ۲/ ۵۴۸/۴)، حسین بن سعید أهوازی (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲/ ۲۵۵/۲، ۱۰۱۲)، محمد بن قاسم جوهری (کلینی، ۱۵۹/۷)، أبان بن عثمان (کلینی، ۳/ ۴۸۰/۳)، آیوب بن نوح (طوسی، همان، ۳/ ۳۲۴/۷، ۱۳۳۴)، جمیل بن دراج (کلینی، ۳/ ۲۵۳/۵)، حماد بن عیسی (کلینی، ۲/ ۴۰/۱)، سلیم الفراء (کلینی، ۴۶۹/۵)، سلیمان بن محمد (کلینی، ۴/ ۴۵۵/۴)، شعیب (طوسی، همان، ۱۰۸/۷، ۴۶۲)، صفوان بن یحیی (کلینی، ۲/ ۳۱۰/۴)، عبدالرحمن بن أبی نجران (طوسی، همان، ۱/ ۲۹۲/۱، ۸۵۴)، عبدالله بن مغیره (کلینی، ۴/ ۴۸۳/۳)، عبد الله بن یحیی (کلینی، ۸/ ۲۲۳/۲)، عبدالله بن بکیر (کلینی، ۱۹۰/۷)، عبد الله بن محمد (طوسی، همان، ۳/ ۱۵۷/۳، ۳۳۶)، عبد الله بن مسکان (کلینی، ۲/ ۲۲۰/۲، ۱۹)، عثمان بن عیسی (طوسی، همان، ۴/ ۲۴۲/۴، ۷۱۰)، علی بن حسن بن رباط [اسباط] (کلینی، ۵/ ۴۴۹/۵)، علی بن حماد (کلینی، ۸/ ۴۳۶/۷)، فضالة بن آیوب (کلینی، ۴/ ۴۸۳/۶)، محمد بن أبی حمزة (طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۷/ ۱۱/۸)، محمد بن أبی عمیر (کلینی، ۸/ ۳۸۸/۱)، محمد بن سنان (طوسی، همان، ۷/ ۳۱۵/۷، ۱۳۰۵)، محمد بن عماره (کلینی، ۱/ ۱۴۹/۱)، محمد بن عیسی (کشّی، ش ۲۴۳)، منصور (کلینی، ۲/ ۶۶۴/۶)، یعقوب بن شعیب (طوسی، همان، ۱/ ۱۳۹/۱، ۳۸۹)، نوح بن شعیب (طوسی، همان، ۱/ ۳۷۱/۱، ۱۱۳۲)، یونس بن عبد الرحمن^۱ (کلینی، ۱۹/ ۵۸/۱) برخی از شاگردان وی هستند.

۲- نام و کنیه حریز بن عبدالله

نام وی بدون استثناء در جوامع اولیه حدیثی - الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الإستبصار - و چهار کتاب اصلی رجال - رجال الکشی، رجال النجاشی، رجال الطوسی و فهرست الطوسی - «حریز بن عبدالله سجستانی» نگاشته شده است؛ اما در رجال برقی و فهرست ابن ندیم از وی به عنوان «جریر» یاد شده که در آن احتمال تصحیف وجود دارد (برقی، ۴۱؛ ابن ندیم، ۲۷۷). شهید ثانی نیز تصریح می‌کند که در برخی منابع «حریز» به «جریر» تبدیل شده است (۱۰۹). وی همچنین در مبحث «مختلف و مؤتلف» تأکید می‌کند که برخی از

^۱ کشّی می‌نویسد: «وکان یونس یذکر عنه فقهاً کثیراً؛ یونس بن عبدالرحمن از حریز فقه کثیری آموخته بود و بسیار از وی نقل می‌کرد (کشّی، ش ۶۱۶، ۷۱۹).

اسامی در کتابت همسان و در تلفظ متفاوت هستند و برای نمونه به «حریز» و «جریر» اشاره می‌کند و می‌نویسد: حریز بن عبدالله بجلی جزو صحابیان پیامبر ۹ است، و حریز بن عبدالله سیستانی در عداد صحابیان امام صادق 7 به شمار می‌آید؛ نام پدرشان «مشترک» و نام خودشان «مؤتلف» است و طبقه و راوی و مروی عنه، آن دو را از یک دیگر متمایز می‌کند (همان، ۳۷۶).
نجاشی با تعبیر «حریز بن عبد الله السجستانی أبو محمد» (ش ۳۷۵)، کنیه وی را «أبو محمد» قلمداد کرده است، اما در ضمن خبر «عن یونس، قال: قلت لحریز يوماً: یا «أبا عبد الله» کم یجزيك أن تمسح علی شعر رأسك في وضوء الصلاة...»، کنیه وی «ابوعبدالله» ذکر شده است (کشی، ش ۷۱۹). شوشتری رجالی محقق نیز می‌نویسد: اینکه نجاشی کنیه وی را «ابو محمد» ذکر کرده است، ظاهراً صحیح نیست؛ چرا که «یونس بن عبدالرحمن» شاگرد «حریز» که از نجاشی و دیگران آگاه تر است، از وی به «ابوعبدالله» تعبیر کرده است (شوشتری، ۳/ ۱۶۴). اینکه طوسی در رجال و فهرستش، به کنیه «حریز» اشاره ای نکرده، حاوی این امر است که وی، همان کنیه «ابوعبدالله» را که در رجال کشی ثبت شده - که مهذب و باز نویس کننده آن متن به شمار می‌آید - تأیید کرده است.

۳- نژاد و اصالت وی

برقی و کشی با تعبیر «الأزدی، عربی، کوفی»، تصریح می‌کنند که «حریز» عرب اصیل و ریشه در یمن دارد (برقی، ۴۱؛ کشی، ش ۷۱۹). اما کلام ابن ندیم بغدادی، نجاشی و علامه حلّی که به «السجستانی الأزدی» تعبیر نموده‌اند و واژه «عربی» را نیفزوده‌اند، در عرب اصیل بودن وی ظهور دارد و نصّ در آن نیست (ابن ندیم، ۲۷۵؛ نجاشی، ش ۳۷۵؛ علامه حلّی، خلاصة الأقوال، ۱۳۴، ش ۴).

اما شیخ طوسی، ابن داود حلّی و برخی دیگر با تعبیر «مولی للأزد» وی را جزو موالی ازد معرفی کرده‌اند (طوسی، رجال، ش ۲۴۱۶؛ ابن داود حلّی، ۲۳۷، ش ۱۱۳؛ زنجانی، ۱/ ۳۹۹، ش ۲۹۸۱). «مولی» حاوی عجم و غیر عرب بودن وی است. برای ردّ دیدگاه طوسی، دلیل و قرینه محکمی نمی‌توان ارائه داد. به دنبال فتوحات اسلامی، اعراب ازدی از طریق بصره و کوفه به تدریج به شهرهای ایران وارد شدند و به دنبال سیطره سیاسی و نظامی «ازدیان»، بسیاری از خاندان ایرانی به منظور برخورداری شدن از منافع و حقوق برابر و حفظ منزلت خویش، دستخوش عرب مآبی شدند و با «تعرب» هویت و شناسنامه ای مجعول برای خود

ساختند. عرب مآبی و پیوند فامیلی به گونه ای گسترده و رایج شد که کمتر خانواده ای از آسیب آن در امان ماند. برای نمونه طاهریان با اینکه از خاندان اصیل ایرانی بوده‌اند، طبق یک روایت به منوچهر و طبق روایت دیگر به رستم، پهلوان اساطیری ایران می‌رسند، به قبیله «خزاعه» منسوبند. زمانی که «طلحة بن عبد الله خزاعي» یکی از چهره های برجسته قبیله عربی خزاعه، حاکم سیستان بود، طاهریان از موالی آنها شدند و حتی پس از کسب قدرت گسترده در شرق و غرب جهان اسلام، از کاربرد آن انتساب، خودداری نکردند (مقدسی، ۴۲۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۶، مقدمه؛ اکبری، ۶۱).

۴- روایت از امام صادق ۷

نجاشی در ارتباط با روایت «حریر» از امام صادق ۷ دو تعبیر ذیل را دارد: «قیل: روی عن أبي عبد الله» و «قال یونس: لم یسمع من أبي عبد الله - علیه السلام - إلی حدیثین». جمله اول با کاربرد «قیل» در اساس، متضمن استوار نبودن نقل حریر از امام صادق ۷ است و سخن دوم وی، حاوی نقل حداکثر دو حدیث «حریر» از امام ۷ است (نجاشی، ش ۳۷۵). ابن داود هم در فصلی تحت عنوان «فی ذکر جماعة ضبطت روایتهم بالعدد» به استناد گفته نجاشی تأکید می‌کند که حریر تنها دو روایت از امام صادق ۷ نقل کرده است (۲۱۲، ش ۴). مستند رویکرد نجاشی - گرچه خود اشاره نکرده است - خبری است که محمد بن عیسی از یونس نقل می‌کند که وی گفته است: «لم یسمع حریر بن عبد الله من أبي عبد الله - علیه السلام - إلی حدیثاً أو حدیثین»: حریر از امام صادق ۷ یک و یا دو حدیث بیشتر نشنیده است (کشی، ش ۷۱۶).

بررسی

بی تردید سخن نجاشی که به یک خبر غیر منتهی به معصوم، تکیه کرده، نمی‌تواند در برابر درایت و پژوهش که متضاد آن را اثبات می‌کند، ایستادگی کند:

الف- حریر افزون بر روایت از امام صادق ۷ به نقل از امام باقر ۷ نیز پرداخته است (کلینی، ۳/ ۲۱۷؛ ابن بابویه، ۳/ ۸۹، ۳۳۸۸؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱/ ۳۶، ۹۷؛ الإستبصار، ۱/ ۵۰، ۱۴۲؛ حر عاملی، ۱/ ش ۱۱۱۸، ۴۲۷؛ همان، ۲، ش ۴۶۵، ۲۶۵۸؛ همان، ۴، ش ۳۳۳، ۵۳۱۷؛ همان، ۲۷، ش ۲۶۰، ۳۳۷۲۱).

ب- شیخ طوسی به رغم نجاشی - که حداکثر به نقل دو حدیث از امام صادق ۷ از سوی

حریز باور داشت- حداقل ۷۴ حدیث که اکثراً صحیح‌السند هستند، با واسطه حریز از امام صادق ۷، با صرف نظر از سایر نگاشته‌هایش، تنها در «تهذیب الأحکام» نقل کرده است. ما تنها به جلد، صفحه و شماره حدیث آن کتاب به ترتیب اشاره می‌کنیم: طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰۸/۱-۲۸۳/۱-۲۹/۱-۳۵۵/۱-۱۳۳/۱-۳۶۹/۱-۳۳۳/۱-۳۶۹/۱-۲۶۲/۱-۷۶۲/۱-۳۰۲/۱-۸۷۹/۱-۳۳۶/۱-۱۵۷/۳-۱۱۴۹/۱-۳۷۴/۱-۱۱۳۰/۱-۳۷۰/۱-۱۰۲۱/۱-۳۴۸/۱-۹۵۵/۱-۳۲۷/۱-۸۷۹/۱-۳۰۲/۱-۳۰۳/۱-۹۱۴/۱-۳۱۴/۳-۹۷۳/۱-۱۴۷/۴-۴۱۱/۱-۲۰۳/۴-۵۸۸/۱-۳۷/۵-۱۰۹/۱-۱۹۴/۱-۶۱/۵-۱۹۵/۱-۶۶/۵-۲۱۲/۱-۱۱۸/۵-۳۸۵/۱-۱۲۳/۵-۴۰۰/۱-۱۲۳/۵-۴۰۲/۱-۱۲۳/۵-۴۰۳/۱-۲۴۳/۵-۸۲۲/۱-۲۹۱/۵-۹۸۶/۱-۲۹۴/۵-۹۹۶/۱-۲۹۷/۵-۱۰۰۷/۱-۳۰۱/۵-۱۰۲۵/۱-۳۰۶/۵-۱۰۴۶/۱-۳۰۷/۵-۱۰۴۹/۱-۱۰۵۰/۱-۳۱۲/۵-۱۰۷۱/۱-۳۱۳/۵-۱۰۸۰/۱-۳۱۶/۵-۱۰۹۰/۱-۳۳۲/۵-۱۱۴۳/۱-۱۱۴۷/۱-۳۴۰/۵-۱۱۷۷/۱-۳۴۱/۵-۱۱۸۱/۱-۳۴۵/۵-۱۱۹۷/۱-۳۴۶/۵-۱۲۰۲/۱-۳۴۶/۵-۱۲۶۸/۱-۱۲۷۰/۱-۱۲۷۲/۱-۳۶۵/۵-۱۲۷۸/۱-۳۶۷/۵-۱۲۷۸/۱-۳۷۵/۵-۱۳۰۶/۱-۳۸۰/۵-۱۳۲۵/۱-۱۳۳۴/۱-۴۳۵/۵-۱۵۱۲/۱-۴۴۶/۵-۱۵۵۵/۱-۴۸۰/۵-۱۷۰۴/۱-۵۱۶/۵-۱۲۱/۱-۲۷۷/۶-۷۵۹/۱-۲۸۶/۶-۷۹۳/۱-۲۹۳/۶-۸۱۲/۱-۳۲۹/۶-۹۱۰/۱-۱۱۷۹/۱-۳۹۳/۶-۹/۱-۳۳۳/۶-۲۴۶/۶-۱۰۷۰/۱-۱۲/۸-۳۹/۱-۲۹۳/۸-۶۳۵/۱-۱۸۹/۸-۶۵۵/۱-۲۲۷/۸-۸۲۰/۱-۳۴/۹-۱۳۵/۱-۳۶/۹-۱۴۹/۱-۲۹۴/۹-۶۹/۹-۲۹۵/۱-۲۷۵/۹-۹۹۴/۱-۳۴۷/۹-۱۲۴۶/۱-۲۷/۱۰-۱۲/۱۰-۱۴۵/۱۰-۲۴۹/۱۰-۲۴۹/۱۰-۸۷۵/۱۰-۲۹۳/۱۰-۱۱۴۱/۱۰.

کلینی و صدوق هم در «الکافی» و «من لایحضره الفقیه»، پیش از شیخ طوسی بر خلاف گفته نجاشی، ده‌ها حدیث امام صادق ۷ را توسط «حریز» گزارش کرده‌اند:

کلینی، ۴/۲۸۳/۱-۱۹/۲۲۰/۲-۱/۶۰۹/۲-۶/۶۶۴/۲-۹/۲۲۳/۳-۵۱/۳-۶/۱۵۳/۳-۷/۱۱۶۰/۳-۱/۲۹۸/۳-۴/۴۵۸/۳-۴/۴۵۸/۳-۴/۴۵۸/۳-۲/۴۸۰/۳-۱۹/۵۰۵/۳-۱/۱۳/۴-۱۳/۴۹/۴-۱۰/۹۳/۴-۲/۱۰۶/۴-۴/۱۱۸/۴-۳/۲۲۵/۴-۱/۲۲۸/۴-۲/۲۳۰/۴-۵/۲۳۱/۴-۵/۲۴۰/۴-۲/۲۸۱/۴-۳/۳۰/۴-۷/۳۰۴/۴-۲/۳۰۷/۴-۲/۳۲۶/۴-۷/۳۳۰/۴-۳/۳۳۹/۴-۱/۳۵۶/۴-۸/۳۶۴/۴-۱/۳۶۵/۴-۲/۳۶۵/۴-۲/۳۶۵/۴-۲/۳۶۵/۴-۴/۴۶۹/۵-۵/۴۶۹/۵-۴/۴۸۹/۵-۲/۴۸۹/۵-۳/۲۱۰/۶-۳/۲۱۳/۶-۴/۲۵۸/۶-۴/۵۴۹/۶-۱/۱۵۶/۷-۱/۱۶۵/۷-۴/۱۷۸/۷-۹/۲۰۶/۷-۱/۲۸۶/۷-۱/۲۸۶/۷-۴۰۳/۷-۵/۴۰۳/۷-۱۳۴۴، ۱۳۴۰، ۱۰۷۳، ۱۴۶، ۲۶۳۹، ۲۶۲۵، ۲۵۹۵، ۲۵۴۱، ۲۳۴۲، ۲۳۱۱، ۱۹۴۵، ۱۵۸۳، ۱۴۴۵، ۱۳۴۴، ۱۲۷۳، ۱۲۷۲، ۱۲۷۱، ۱۲۷۰، ۱۲۶۹، ۱۲۶۸، ۱۲۶۷، ۱۲۶۶، ۱۲۶۵، ۱۲۶۴، ۱۲۶۳، ۱۲۶۲، ۱۲۶۱، ۱۲۶۰، ۱۲۵۹، ۱۲۵۸، ۱۲۵۷، ۱۲۵۶، ۱۲۵۵، ۱۲۵۴، ۱۲۵۳، ۱۲۵۲، ۱۲۵۱، ۱۲۵۰، ۱۲۴۹، ۱۲۴۸، ۱۲۴۷، ۱۲۴۶، ۱۲۴۵، ۱۲۴۴، ۱۲۴۳، ۱۲۴۲، ۱۲۴۱، ۱۲۴۰، ۱۲۳۹، ۱۲۳۸، ۱۲۳۷، ۱۲۳۶، ۱۲۳۵، ۱۲۳۴، ۱۲۳۳، ۱۲۳۲، ۱۲۳۱، ۱۲۳۰، ۱۲۲۹، ۱۲۲۸، ۱۲۲۷، ۱۲۲۶، ۱۲۲۵، ۱۲۲۴، ۱۲۲۳، ۱۲۲۲، ۱۲۲۱، ۱۲۲۰، ۱۲۱۹، ۱۲۱۸، ۱۲۱۷، ۱۲۱۶، ۱۲۱۵، ۱۲۱۴، ۱۲۱۳، ۱۲۱۲، ۱۲۱۱، ۱۲۱۰، ۱۲۰۹، ۱۲۰۸، ۱۲۰۷، ۱۲۰۶، ۱۲۰۵، ۱۲۰۴، ۱۲۰۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۱، ۱۲۰۰، ۱۱۹۹، ۱۱۹۸، ۱۱۹۷، ۱۱۹۶، ۱۱۹۵، ۱۱۹۴، ۱۱۹۳، ۱۱۹۲، ۱۱۹۱، ۱۱۹۰، ۱۱۸۹، ۱۱۸۸، ۱۱۸۷، ۱۱۸۶، ۱۱۸۵، ۱۱۸۴، ۱۱۸۳، ۱۱۸۲، ۱۱۸۱، ۱۱۸۰، ۱۱۷۹، ۱۱۷۸، ۱۱۷۷، ۱۱۷۶، ۱۱۷۵، ۱۱۷۴، ۱۱۷۳، ۱۱۷۲، ۱۱۷۱، ۱۱۷۰، ۱۱۶۹، ۱۱۶۸، ۱۱۶۷، ۱۱۶۶، ۱۱۶۵، ۱۱۶۴، ۱۱۶۳، ۱۱۶۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۰، ۱۱۵۹، ۱۱۵۸، ۱۱۵۷، ۱۱۵۶، ۱۱۵۵، ۱۱۵۴، ۱۱۵۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۱، ۱۱۵۰، ۱۱۴۹، ۱۱۴۸، ۱۱۴۷، ۱۱۴۶، ۱۱۴۵، ۱۱۴۴، ۱۱۴۳، ۱۱۴۲، ۱۱۴۱، ۱۱۴۰، ۱۱۳۹، ۱۱۳۸، ۱۱۳۷، ۱۱۳۶، ۱۱۳۵، ۱۱۳۴، ۱۱۳۳، ۱۱۳۲، ۱۱۳۱، ۱۱۳۰، ۱۱۲۹، ۱۱۲۸، ۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۱۱۲۵، ۱۱۲۴، ۱۱۲۳، ۱۱۲۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۰، ۱۱۱۹، ۱۱۱۸، ۱۱۱۷، ۱۱۱۶، ۱۱۱۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۲، ۱۱۱۱، ۱۱۱۰، ۱۱۰۹، ۱۱۰۸، ۱۱۰۷، ۱۱۰۶، ۱۱۰۵، ۱۱۰۴، ۱۱۰۳، ۱۱۰۲، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۱۰۹۹، ۱۰۹۸، ۱۰۹۷، ۱۰۹۶، ۱۰۹۵، ۱۰۹۴، ۱۰۹۳، ۱۰۹۲، ۱۰۹۱، ۱۰۹۰، ۱۰۸۹، ۱۰۸۸، ۱۰۸۷، ۱۰۸۶، ۱۰۸۵، ۱۰۸۴، ۱۰۸۳، ۱۰۸۲، ۱۰۸۱، ۱۰۸۰، ۱۰۷۹، ۱۰۷۸، ۱۰۷۷، ۱۰۷۶، ۱۰۷۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۱، ۱۰۷۰، ۱۰۶۹، ۱۰۶۸، ۱۰۶۷، ۱۰۶۶، ۱۰۶۵، ۱۰۶۴، ۱۰۶۳، ۱۰۶۲، ۱۰۶۱، ۱۰۶۰، ۱۰۵۹، ۱۰۵۸، ۱۰۵۷، ۱۰۵۶، ۱۰۵۵، ۱۰۵۴، ۱۰۵۳، ۱۰۵۲، ۱۰۵۱، ۱۰۵۰، ۱۰۴۹، ۱۰۴۸، ۱۰۴۷، ۱۰۴۶، ۱۰۴۵، ۱۰۴۴، ۱۰۴۳، ۱۰۴۲، ۱۰۴۱، ۱۰۴۰، ۱۰۳۹، ۱۰۳۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۶، ۱۰۳۵، ۱۰۳۴، ۱۰۳۳، ۱۰۳۲، ۱۰۳۱، ۱۰۳۰، ۱۰۲۹، ۱۰۲۸، ۱۰۲۷، ۱۰۲۶، ۱۰۲۵، ۱۰۲۴، ۱۰۲۳، ۱۰۲۲، ۱۰۲۱، ۱۰۲۰، ۱۰۱۹، ۱۰۱۸، ۱۰۱۷، ۱۰۱۶، ۱۰۱۵، ۱۰۱۴، ۱۰۱۳، ۱۰۱۲، ۱۰۱۱، ۱۰۱۰، ۱۰۰۹، ۱۰۰۸، ۱۰۰۷، ۱۰۰۶، ۱۰۰۵، ۱۰۰۴، ۱۰۰۳، ۱۰۰۲، ۱۰۰۱، ۱۰۰۰، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۹۷، ۹۹۶، ۹۹۵، ۹۹۴، ۹۹۳، ۹۹۲، ۹۹۱، ۹۹۰، ۹۸۹، ۹۸۸، ۹۸۷، ۹۸۶، ۹۸۵، ۹۸۴، ۹۸۳، ۹۸۲، ۹۸۱، ۹۸۰، ۹۷۹، ۹۷۸، ۹۷۷، ۹۷۶، ۹۷۵، ۹۷۴، ۹۷۳، ۹۷۲، ۹۷۱، ۹۷۰، ۹۶۹، ۹۶۸، ۹۶۷، ۹۶۶، ۹۶۵، ۹۶۴، ۹۶۳، ۹۶۲، ۹۶۱، ۹۶۰، ۹۵۹، ۹۵۸، ۹۵۷، ۹۵۶، ۹۵۵، ۹۵۴، ۹۵۳، ۹۵۲، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۴۹، ۹۴۸، ۹۴۷، ۹۴۶، ۹۴۵، ۹۴۴، ۹۴۳، ۹۴۲، ۹۴۱، ۹۴۰، ۹۳۹، ۹۳۸، ۹۳۷، ۹۳۶، ۹۳۵، ۹۳۴، ۹۳۳، ۹۳۲، ۹۳۱، ۹۳۰، ۹۲۹، ۹۲۸، ۹۲۷، ۹۲۶، ۹۲۵، ۹۲۴، ۹۲۳، ۹۲۲، ۹۲۱، ۹۲۰، ۹۱۹، ۹۱۸، ۹۱۷، ۹۱۶، ۹۱۵، ۹۱۴، ۹۱۳، ۹۱۲، ۹۱۱، ۹۱۰، ۹۰۹، ۹۰۸، ۹۰۷، ۹۰۶، ۹۰۵، ۹۰۴، ۹۰۳، ۹۰۲، ۹۰۱، ۹۰۰، ۸۹۹، ۸۹۸، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۵، ۸۹۴، ۸۹۳، ۸۹۲، ۸۹۱، ۸۹۰، ۸۸۹، ۸۸۸، ۸۸۷، ۸۸۶، ۸۸۵، ۸۸۴، ۸۸۳، ۸۸۲، ۸۸۱، ۸۸۰، ۸۷۹، ۸۷۸، ۸۷۷، ۸۷۶، ۸۷۵، ۸۷۴، ۸۷۳، ۸۷۲، ۸۷۱، ۸۷۰، ۸۶۹، ۸۶۸، ۸۶۷، ۸۶۶، ۸۶۵، ۸۶۴، ۸۶۳، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۶۰، ۸۵۹، ۸۵۸، ۸۵۷، ۸۵۶، ۸۵۵، ۸۵۴، ۸۵۳، ۸۵۲، ۸۵۱، ۸۵۰، ۸۴۹، ۸۴۸، ۸۴۷، ۸۴۶، ۸۴۵، ۸۴۴، ۸۴۳، ۸۴۲، ۸۴۱، ۸۴۰، ۸۳۹، ۸۳۸، ۸۳۷، ۸۳۶، ۸۳۵، ۸۳۴، ۸۳۳، ۸۳۲، ۸۳۱، ۸۳۰، ۸۲۹، ۸۲۸، ۸۲۷، ۸۲۶، ۸۲۵، ۸۲۴، ۸۲۳، ۸۲۲، ۸۲۱، ۸۲۰، ۸۱۹، ۸۱۸، ۸۱۷، ۸۱۶، ۸۱۵، ۸۱۴، ۸۱۳، ۸۱۲، ۸۱۱، ۸۱۰، ۸۰۹، ۸۰۸، ۸۰۷، ۸۰۶، ۸۰۵، ۸۰۴، ۸۰۳، ۸۰۲، ۸۰۱، ۸۰۰، ۷۹۹، ۷۹۸، ۷۹۷، ۷۹۶، ۷۹۵، ۷۹۴، ۷۹۳، ۷۹۲، ۷۹۱، ۷۹۰، ۷۸۹، ۷۸۸، ۷۸۷، ۷۸۶، ۷۸۵، ۷۸۴، ۷۸۳، ۷۸۲، ۷۸۱، ۷۸۰، ۷۷۹، ۷۷۸، ۷۷۷، ۷۷۶، ۷۷۵، ۷۷۴، ۷۷۳، ۷۷۲، ۷۷۱، ۷۷۰، ۷۶۹، ۷۶۸، ۷۶۷، ۷۶۶، ۷۶۵، ۷۶۴، ۷۶۳، ۷۶۲، ۷۶۱، ۷۶۰، ۷۵۹، ۷۵۸، ۷۵۷، ۷۵۶، ۷۵۵، ۷۵۴، ۷۵۳، ۷۵۲، ۷۵۱، ۷۵۰، ۷۴۹، ۷۴۸، ۷۴۷، ۷۴۶، ۷۴۵، ۷۴۴، ۷۴۳، ۷۴۲، ۷۴۱، ۷۴۰، ۷۳۹، ۷۳۸، ۷۳۷، ۷۳۶، ۷۳۵، ۷۳۴، ۷۳۳، ۷۳۲، ۷۳۱، ۷۳۰، ۷۲۹، ۷۲۸، ۷۲۷، ۷۲۶، ۷۲۵، ۷۲۴، ۷۲۳، ۷۲۲، ۷۲۱، ۷۲۰، ۷۱۹، ۷۱۸، ۷۱۷، ۷۱۶، ۷۱۵، ۷۱۴، ۷۱۳، ۷۱۲، ۷۱۱، ۷۱۰، ۷۰۹، ۷۰۸، ۷۰۷، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۴، ۷۰۳، ۷۰۲، ۷۰۱، ۷۰۰، ۶۹۹، ۶۹۸، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۹۵، ۶۹۴، ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۹۰، ۶۸۹، ۶۸۸، ۶۸۷، ۶۸۶، ۶۸۵، ۶۸۴، ۶۸۳، ۶۸۲، ۶۸۱، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۸، ۶۷۷، ۶۷۶، ۶۷۵، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۷۲، ۶۷۱، ۶۷۰، ۶۶۹، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۶۶، ۶۶۵، ۶۶۴، ۶۶۳، ۶۶۲، ۶۶۱، ۶۶۰، ۶۵۹، ۶۵۸، ۶۵۷، ۶۵۶، ۶۵۵، ۶۵۴، ۶۵۳، ۶۵۲، ۶۵۱، ۶۵۰، ۶۴۹، ۶۴۸، ۶۴۷، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۲، ۶۴۱، ۶۴۰، ۶۳۹، ۶۳۸، ۶۳۷، ۶۳۶، ۶۳۵، ۶۳۴، ۶۳۳، ۶۳۲، ۶۳۱، ۶۳۰، ۶۲۹، ۶۲۸، ۶۲۷، ۶۲۶، ۶۲۵، ۶۲۴، ۶۲۳، ۶۲۲، ۶۲۱، ۶۲۰، ۶۱۹، ۶۱۸، ۶۱۷، ۶۱۶، ۶۱۵، ۶۱۴، ۶۱۳، ۶۱۲، ۶۱۱، ۶۱۰، ۶۰۹، ۶۰۸، ۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴، ۶۰۳، ۶۰۲، ۶۰۱، ۶۰۰، ۵۹۹، ۵۹۸، ۵۹۷، ۵۹۶، ۵۹۵، ۵۹۴، ۵۹۳، ۵۹۲، ۵۹۱، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۸۸، ۵۸۷، ۵۸۶، ۵۸۵، ۵۸۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۸۱، ۵۸۰، ۵۷۹، ۵۷۸، ۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۴، ۵۷۳، ۵۷۲، ۵۷۱، ۵۷۰، ۵۶۹، ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۶، ۵۶۵، ۵۶۴، ۵۶۳، ۵۶۲، ۵۶۱، ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۵۷، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۵۴، ۵۵۳، ۵۵۲، ۵۵۱، ۵۵۰، ۵۴۹، ۵۴۸، ۵۴۷، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۴۴، ۵۴۳، ۵۴۲، ۵۴۱، ۵۴۰، ۵۳۹، ۵۳۸، ۵۳۷، ۵۳۶، ۵۳۵، ۵۳۴، ۵۳۳، ۵۳۲، ۵۳۱، ۵۳۰، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۷، ۵۲۶، ۵۲۵، ۵۲۴، ۵۲۳، ۵۲۲، ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۷، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۱۴، ۵۱۳، ۵۱۲، ۵۱۱، ۵۱۰، ۵۰۹، ۵۰۸، ۵۰۷، ۵۰۶، ۵۰۵، ۵۰۴، ۵۰۳، ۵۰۲، ۵۰۱، ۵۰۰، ۴۹۹، ۴۹۸، ۴۹۷، ۴۹۶، ۴۹۵، ۴۹۴، ۴۹۳، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۸۹، ۴۸۸، ۴۸۷، ۴۸۶، ۴۸۵، ۴۸۴، ۴۸۳، ۴۸۲، ۴۸۱، ۴۸۰، ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۷۷، ۴۷۶، ۴۷۵، ۴۷۴، ۴۷۳، ۴۷۲، ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۶۸، ۴۶۷، ۴۶۶، ۴۶۵، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۶۱، ۴۶۰، ۴۵۹، ۴۵۸، ۴۵۷، ۴۵۶، ۴۵۵، ۴۵۴، ۴۵۳، ۴۵۲، ۴۵۱، ۴۵۰، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۴، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۲۰، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۵، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲

ش ۳۲۶۴، ۳۵۳۱، ۴۱۳۸، ۴۱۲۷، ج ۴، ش ۴۹۸۹، ۵۰۸۶، ۵۶۷۹، ۵۲۰۸.

ج- حریر در برخی موارد، راوی از امام باقر ۷ با یک واسطه مانند فضیل بن یسار، محمد بن مسلم و... است (کشّی، ش ۳۷، ۲۷۶).

د- در پاره ای مواضع حریر توسط یک نفر مانند ابان بن تغلب، محمد حلبی، محمد بن مسلم و... به روایت از امام صادق ۷ پرداخته است (کشّی، ش ۲۴۳، ۲۶۹، ۲۷۶؛ ابن قولویه، باب ۶، ح ۳).

اینکه وی از اخبار بی واسطه و باواسطه از امام صادق ۷ برخوردار است، به تمامت امری طبیعی است و در بین راویان حدیث و در لا به لای متون کهن روایی، نمونه های فراوان دارد. این ویژگی برای بسیاری از محدثان تقریباً واقعیت یافته است. ابن ابی عمیر از تلامیذ «حریر» با اینکه از صحابیان امام صادق ۷ به شمار آمده (ابن داود، ش ۱۲۷۲) در برخی اوقات با دو یا سه واسطه از آن حضرت نقل می کند. «حماد بن عیسی» از اصحاب امام صادق ۷ که از نامبردارترین شاگردان «حریر» تلقی می گردد نیز از این ویژگی برخوردار است (عرفانیان، ۷۶). صحابیان ائمه: بی تردید در نزد آنان دائم الحضور نیستند؛ به همین دلیل اتفاق می افتد که امام ۷ در جلسه ای القاء کلام تشریحی دارد که در آن برهه، راوی حاضر نیست و در نتیجه آن روایات را وی ضرورتاً با واسطه نقل می کند.

ه- فقیه رجالی آیه الله خویی تصریح می کند اینکه نجاشی با واسطه از «یونس» نقل نموده که حریر یک و یا حد اکثر دو روایت از امام صادق ۷ نقل نموده، علی الأساس درست نیست، چون با سند صحیح، حریر از امام صادق ۷، حد اقل ۲۱۵ روایت نقل نموده است^۱ (خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۳۳/۵).

شوشتری محقق رجالی نیز پس از نقل سخن یونس می نویسد: «ما به روایات فراوان حریر از امام صادق ۷ دست یافته ایم» و سپس چهارده خبر از «الکافی»، «من لا یحضره الفقیه» و «تهذیب الأحکام» بر می شمارد که حریر به نقل از امام صادق ۷ پرداخته و سپس اضافه می کند: «و لعل المتتبع یقف علی أكثر»: شاید پژوهشگر بر بیشتر از چهارده مورد هم برخورد کند. اما شوشتری که به بیشتر از آن موارد دست نیافته است در تلاشی بی حاصل، با تأکید بر مقام «یونس» در فقاہت و دانش، و با کاربرد شش بار واژه «لعل» احتمال داده است که در آن

^۱ ولکن هذه الرواية لا يمكن تصديقها، بعدما ثبت بطرق صحيحة، روايات كثيرة تبلغ (۲۱۵) مورداً كما يأتي عن حرير، عن أبي عبد الله عليه السلام- (خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۳۳/۵).

اخبار چهارده‌گانه، تحریف و تقدیم و تأخیر، اتفاق افتاده و اینکه مقصود از «حریز» شاید «حریز بن عبدالله سجستانی» نباشد و یا اینکه «قال ابو عبدالله علیه‌السلام» صریح در نقل مستقیم نیست (شوشتری، ۳، ۱۶۴).

۵- والامقامی و وثاقت حریز بن عبدالله

نجاشی درباره ۵۷۷ نفر از روایان و مصنفان مانند: ابان بن عمراسدی، ابراهیم بن صالح و ابراهیم بن رجاء، یک بار واژه «ثقة» را استعمال کرده است (نجاشی، ش ۱۰، ۱۳، ۱۶) و درباره حدود ۳۶ نفر از مؤلفان و محدثان مانند: حسین بن اشکیب، اسحاق بن جندب و احمد بن حمزه، برای تاکید وثاقت، با ترکیب «ثقة ثقة» دو بار از آن کلمه استفاده نموده است (نجاشی، ش ۸۸، ۱۷۵، ۲۲۴). اما وی در ارتباط با «حریز» نه تنها به تمجید و توثیق نپرداخته که با عبارات «و كان ممن شهر السيف في قتال الخوارج بسجستان في حياة ابي عبد الله - عليه السلام - و روى انه جفاه^۱ و حجه^۲ عنه»: - حریز به دلیل اینکه در سیستان در جنگ با خوارج شمشیر از نیام بر کشید، از سوی امام صادق ۷ طرد و رانده شد و رابطه آن دو از هم گسست - دستخوش جرح و مذمت وی قرار گرفته است (نجاشی، ش ۳۷۵).

حسن بن زین‌الدین مشهور به صاحب معالم هم به استناد سخن نجاشی تنها به «قیام مسلحانه» وی اشاره کرده و اینکه وی یک و یا دو حدیث از امام صادق ۷ نقل کرده است (۱۷۵، ش ۱۳۶).

مستند نجاشی - گرچه به آن تصریح و اشاره ای نکرده -، روایتی است که کشتی در دو موضع از محمد بن عیسی از صفوان از عبد الرحمن بن حجّاج، نقل می‌کند. در آن خبر آمده است که «فضل بقباق» چند بار از امام صادق ۷، اذن ورود «حریز» را درخواست کرد که پذیرفته نشد و امام استدلال می‌کند چون وی شمشیر از نیام برکشید، او را با وارد نشدن به منزل مجازات کردم^۳ (کشتی، ۶۱۵، ۷۱۷).

آیا به استناد خبری واحد و سخن نجاشی که به آن مستند است، می‌توان تعبیرات «مذموم»

^۱ جفأ الشیء: أبعد و طرحه. جفأ فلاناً و جفأ علیه: أعرض عنه و قطعه (مصطفی ابراهیم و دیگران، ۱۲۸).

^۲ حجب الشیء ینحیبه حجباً و حجاباً و حجبته: ستره؛ و حجبته: أي منعه عن الدخول. الحجاب: اسم ما احتجب به، و كل ما حال بين شئین: حجاب (ابن منظور، ۱/ ۲۹۸).

^۳ استأذن [سأل] أبو العباس فضل القباق لحریز الإذن علی ابي عبد الله - علیه السلام - فلم يأذن له، فعاده فلم يأذن له، فقال: أي شیء للرجل أن يبلغ من عقوبة غلامه؟ قال، قال: علی قدر ذنوبه، فقال: قد عاقبت و الله حریراً بأعظم مما صنع، قال: ويحك أتى فعلت ذلك أن حریراً، جرد السيف (کشتی، ش ۶۱۵، ۷۱۷).

في الرواية، «مذمومٌ ذمّاً ما» و «رمی بالذم» را که حاوی جرح است، در ارتباط با «حرز» به کار برد؟

ما در این بخش تحت دو عنوان به پاسخ دادن به رویکرد نجاشی می‌پردازیم:

۵- ۱- وثاقت حرز در منابع ۵- ۲- واکاوی فقهی عملکرد حرز در سیستان.

۵- ۱- وثاقت حرز در منابع

۱- خبر مذکور در هیچ منبعی جز رجال کشی نیامده و از طرفی شیخ طوسی که خود آن را تنقیح و پیرایش کرده و کتاب در عداد نگاشته‌های وی به شمار می‌آید، در رجال و فهرستش، به آن روایت و محتوایش اشاره‌ای نکرده؛ بلکه با کاربرد «ثقة» حرز را توثیق کرده است (طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ۱۱۸، ش ۲۴۹). چون طوسی رجال کشی را پس از تألیف فهرست و رجال، تنقیح کرده، نمی‌توان نتیجه گرفت لذا به آن حدیث اشاره نکرده؛ زیرا پیرایش متأخر کتاب کشی با در دسترس نبودن آن در زمان تألیف فهرست و رجال ملازم نیست. طوسی یا آن خبر واحد را، دارای ضعف سند تلقی می‌کرده و یا علی‌الأساس محتوای آن را حاوی «جرح» نمی‌دانسته است.

۲- علامه حلی که در رجالش از نجاشی متأثر است، به تمامت سخنان وی را ذکر کرده است؛ اما منزلت «حرز»، وی را وادار کرده است که وثاقت وی را از شیخ طوسی نقل کند و در ارتباط با آن خبر واحد، سه ارزیابی دارد: ۱- «وفی طریقه محمد بن عیسی مع قول فیہ»: در طریق روایت «محمد بن عیسی» قرار گرفته که در وثاقت وی تردید وجود دارد. ۲- و «لعدم العلم بتعدیل الراوی للجفاء»: ما علم نداریم که با طرد و اعراض، علی‌الأصول تعدیل و جرح تحقق می‌یابد. ۳- «انّ الحجب لا یستلزم الجرح، لعدم العلم بالسر فیہ»: ممنوع‌الورود بودن «حرز» مستلزم جرح وی نیست؛ چون ما به سرّ و راز آن واقف نیستیم (علامه حلی، خلاصة الأقوال، ۱۳۴، ش ۴).

۳- ابن داود هم که سعی کرده رجالش نکات رجال نجاشی و فهرست و رجال طوسی را در بر داشته باشد، در سه موضع وی را مطرح کرده است: یک بار در بخش نخست و دو بار در قسمت دوم که ویژه ضعفاء و مجروحین است. در هر سه مورد به طرد وی از سوی امام صادق ۷ اشاره می‌کند؛ اما جایگاه والای «حرز» در میراث تشیع و از طرفی توثیق شیخ طوسی سبب شده که وی با تعبیر «الله اعلم» دستخوش تردید شود و در نهایت به توثیق وی پردازد و او را از فقهای عظیم‌الشأن معرفی کند. وی تصریح می‌کند که اولاً خبر مذکور صحیح

نیست و بر فرض صحت، روایت به صراحت حاوی «جرح» نیست چون ممکن است که امام 7 مقصود دیگری غیر از جرح داشته باشد (ابن داود، ۷۱، ش ۳۹۳؛ همان، ۲۳۷، ش ۱۱۳؛ همان، ۲۹۷، ش ۱۵).

۴- برخی از رجال شناسان تصریح کرده‌اند که طرد کردن حریز و روی برگردانیدن امام صادق 7 از وی، با وثاقت و بلکه عدالت وی نیز منافات ندارد: ۱- شمشیر کشیدن بدون اذن از امام 7 گرچه گناه است، اما با توبه بخشودنی است و بی تردید پس از ظهور نارضایتی امام 7، وی از رفتار خویش توبه نموده و اعراض هم برای تأدیب وی شکل گرفته است تا در آینده آن گونه رفتاری از وی صادر نشود. ۲- اگر طرد امام 7، امری همیشگی بوده باشد، این موضوع شایع و مشهور می‌شد با اینکه فقط در همین یک روایت آمده است. ۳- امام 7 پس از راندن وی، مجدداً اجازه ورود دادند و تأیید کننده دیدگاه ما، روایات فراوانی است که وی از امام صادق 7 نقل نموده و احتمال اینکه همه این روایات پیش از طرد وی، نقل شده باشند، بعید است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۵/ ۲۳۰، ش ۵۲۶۴).

۵- در موردی امام صادق 7 شاگرد خویش حماد بن عیسی را در عمل کردن به روایات کتاب «حریز» تشویق و تأیید می‌کند (ابن بابویه، ۱/ ۳۰۰، ح ۹۱۵؛ شوشتری، ۳/ ۱۶۲، ش ۱۸۱۳)

۶- علی بن ابراهیم قمی از معاصران امام هادی و عسکری 8 و از مشایخ کلینی و مفسر والامقام و ثقة، در مقدمه تفسیری که به وی منسوب است، با نگاهستن «ونحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهی الینا و رواة مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و أوجب ولايتهم ولا یقبل عمل الّا بهم»، به وثاقت راویانی از آن کتاب شهادت داده است که با توجه به قید «ثقاتنا» شیعه باشد و با توجه به عبارت «عن الذین فرض الله طاعتهم» روایت به معصوم منتهی شود. از سوی «حریز بن عبدالله» در اسناد روایات تفسیر وی قرار گرفته است (قمی، ۱/ ۴).

۷- ابن قولویه که از مشایخ مفید و از تلامذ کلینی است، از سوی همه رجالیان به عنوان یکی از اجلء مکتب امامت در حدیث و فقه معرفی شده است. نجاشی می‌نویسد: ابن قولویه

۱. و هذه الرواية و إن كانت صحيحة لأن الظاهر وثاقة محمد بن عیسی إلا أنها لا تنافي وثاقة حریز كما هو ظاهر بل لا تنافي عدالته أيضا، فإن تجریده السیف من دون إذن الإمام -عليه السلام-، وإن كان ذنباً كما يظهر من الصحيحة إلا أنه قابل للزوال بالتوبة، ولا شك في أن حریزاً ندم علی فعله حينما ظهر له عدم رضی الامام به، فإن الحجب كان وقتياً من جهة تأدیب حریز، لئلا یصدر منه مثل ذلك فيما بعد، فإن الحجب لو كان دائماً لشاع و ذاع، مع أنه لم يذكر إلا في هذه الرواية. و يؤید ذلك أن الإمام -عليه السلام- قد أذن لحریز بعد حجه، في الدخول علیه إكثار حریز من الرواية عن الصادق -عليه السلام-، و احتمال أن تكون جميع هذه الروایات قد صدرت قبل الحجب بعید جداً، كما لا یخفي.

از هر کس که به وثاقت و فقاقت توصیف شود، برتر است و کتب وی همانند «کامل الزیارات» نیکو و استوار هستند (نجاشی، ش ۳۱۸).

ابن قولویه در مقدمه کتابش با عبارت «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته، و لا أخرجت فيه حديثاً روي عن الشاذ من الرجال» تأیید کرده، تمامی مشایخ و روات «کامل الزیارات» جزو ثقات هستند (ابن قولویه، ۳۷). از سوی حریز بن عبدالله در آستان آن کتاب که مشمول توثیق عام ابن قولویه می‌شود، به فزون قرار گرفته است (همان، ش ۶۶، ۲۲۸، ۴۸۵، ۲۴۰، ۴۸۶، ۴۸۸، ۵۵۰). اگر مراد ابن قولویه تنها مشایخ و مروی عنه خود وی باشند، نتیجه‌اش این است که حریز بن عبدالله از سوی او توثیق نشده است^۱ - صدوق (م ۳۸۱ ه. ق) در مقدمه «من لا يحضره الفقيه» نگاشته است: «هدف من ثبت همه اخبار، گرچه غیر معتبر، نیست. در این کتاب به جمع اخباری پرداخته‌ام که به صحت آنها حکم می‌کنم و معتقدم که آنها بین من و خدای من حجت است. همه این روایات مستخرج از کتب مرجع، مشهور و قابل اعتماد همانند کتاب «حریز» است (ابن بابویه، ۳/۱). از طرفی وی در حدود صد روایت را با سند «حریز» در کتاب خویش نقل کرده است (همان). بنابراین «حریز» که از روات آن کتاب است، از توثیق عام و خاص صدوق برخوردار است.

۵-۲ - واکاوی فقهی عملکرد حریز در سیستان

چه رفتاری از «حریز» سر زد که آن خبر واحد، بر فرض صحت سند، از سوی امام ۷^۷ صادر شد و علی‌الاساس وظیفه نخست وی چه بوده است؟ شیخ مفید می‌نویسد: حریز در منطقه سیستان که «شرات»^۱ در اکثریت بوده و اقتدار داشتند، یارانی داشت که هم عقیده‌اش بودند. خوارج امام علی ۷ را سرزنش می‌کردند و دشنام می‌دادند. اصحاب حریز این رفتار را به وی گزارش کردند و در باره کشتن آنان با وی مشورت کردند؛ وی کشتن دشنام‌دهندگان را مجاز دانست و پس از آن به تدریج «شرات» کشته می‌شدند و شیعیان چون در اقلیت بودند، در معرض اتهام نبودند و خوارج با «مرجئه» که مورد اتهام بودند می‌جنگیدند. تا برهه ای حقیقت قضیه، پنهان بود و سپس به حقیقت امر پی بردند و روزی حریز و اصحابش را در مسجد گرد

^۱ شرّات جمع «شاری» و به معنای فروشندگان است. «خوارج» این عنوان را به این دلیل برای خود انتخاب کردند که مدّعی بودند جان خویش را در راه خدا، فدا می‌کنند. این نام از دو آیه: (وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ) (بقره/۲۰۷) و (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَخَبَّةُ الْجَنَّةِ يَمْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ) (توبه/۱۱۱) گرفته شده است. (مشکور، عنوان: خوارج).

آوردند و مسجد را بر سر آنها خراب کردند^۱ (مفید، ۲۰۷). با توجه به گزارش شیخ مفید و لحاظ کردن روایات و فتاوی فقهای فریقین، «حریز» حکم اولیه شرعی را در پاسخ به یک استفتاء، اظهار کرده است:

۱- اخبار حاوی اینکه سبّ کننده پیامبر ﷺ کشته می‌شود، در منابع تشیع و تسنن موجود است: مردی از «هذیل» در منطقه «عربه» که ناحیه ای در نزدیک مدینه بود، پیامبر ﷺ را بدگویی می‌کرد. پیامبر ﷺ اجازه داد که دو نفر از انصار به آن منطقه بروند و وی را به قتل برسانند. امام باقر ۷ تأکید می‌کند در هر زمان که ترس بر جان نباشد، سبّ کننده پیامبر ﷺ کشته می‌شود^۲ (کلینی، ۲۶۷/۷، ح ۳۳؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۰ / ۸۵، ح ۳۳۳؛ نعمان مغربی، ۲ / ۴۵۹، ح ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹).

۲- در اخبار، حکم سبّ کننده امامان معصوم : همانند پیامبر ﷺ کشته شدن، بیان شده است. در موردی امام صادق ۷ تأکید می‌کند: اگر کسی، سخنان ناسزا و دشنام در باره امام علی ۷ بشنود، باید یک روز هم در قتل وی، درنگ نکند و بعلاوه سبّ کننده هر امامی همانند سبّ کننده پیامبر ﷺ کشته می‌شود^۳ (نعمان مغربی، ۲/۴۶۰، ح ۱۶۲۰).

۳- تمام فقهاء شیعه، «خوارج» و «ناصبیها» را نجس می‌دانند. برای نمونه امام خمینی «ره» می‌نویسد: «وَأَمَّا النَّوَاصِبُ وَ الْخَوَارِجُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَهَمَا نَجَسَانُ»: خوارج و آنهایی که به ائمه : اظهار دشمنی می‌نمایند و به ایشان دشنام می‌دهند، به طور مطلق نجس هستند (حلی، ۱ / ۴۲؛ خمینی، ۱ / ۱۱۸).

۴- همه فقهاء شیعه برآنند و ادعای اجماع محصل و منقول کرده‌اند که هر کس بشنود که فردی، پیامبر اسلام ﷺ امامان دوازده گانه و فاطمه زهرا : را دشنام می‌دهد، بر وی واجب است که وی را به قتل برساند و علی الأصول به اذن حاکم شرع نیازی ندارد، مادامی که ضرر جانی و مالی مهمی متوجه وی نشود (خویی، تکملة منهاج الصالحین، ۴۳؛ روحانی، ۲۵ / ۴۷۵؛

^۱ «و كان أصحاب حریز یسمعون منهم ثلب أمير المؤمنین - علیه السلام - و سبه فیخبرون حریزاً و یستأمرونه فی قتل من یسمعون منه ذلك فأذن لهم» (مفید، ۲۰۷).

^۲ عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر - علیه السلام - قال : إن رجلاً من هذیل كان یسب رسول الله - صلی الله علیه و اله و سلم - فبلغ ذلك النبی - صلی الله علیه و اله و سلم - فقال : من لهذا، فقام رجلان من الأنصار فقالا : نحن یا رسول الله فانطلقا حتی أتیا عربة فسألا عنه فإذا هو یتلقى غنمه فلحقاه بین أهله و غنمه فلم یسلما علیه فقال : من أنتما وما إسمكما؟ فقالا له : أنت فلان بن فلان؟ فقال : نعم، فنزلا و ضربا عنقه، قال محمد بن مسلم : فقلت لأبي جعفر علیه السلام : رأیت لو أن رجلاً الآن سب النبی - صلی الله علیه و اله و سلم - أیقتل؟ قال : إن لم تخف علی نفسك فاقتله. (کلینی، ۲۶۷/۷، ح ۳۳).

^۳ وعن جعفر بن محمد - علیه السلام - : أنه سئل عن رجل تناول علیاً - علیه السلام -، فقال : إنه لحقیق أن لا یقیم يوماً ویقتل من سب الإمام كما یقتل من سب النبی - صلی الله علیه و اله و سلم - (نعمان مغربی، ۲/۴۶۰، ح ۱۶۲۰).

خمینی، ۲ / ۴۷۶؛ منتظری، ۵۵۹؛ فیاض، ۳ / ۲۹۶؛ وحید خراسانی، ۱ / ۳۲۶؛ همان ۳ / ۴۸۹).
 ۳- اکثر فقهاء مکتب خلافت نیز سبّ کننده و دشنام دهنده به پیامبر ﷺ را واجب القتل می‌دانند. (ابن قدامه، ۱۰/۶۳۵؛ کحلانی، ۳ / ۲۶۶، ۱۱۸۲؛ نووی، ۱۹ / ۶۷۶؛ ابن عابدین، ۴/۱۲۵۲).

نتیجه

شیخ طوسی و نجاشی در ارتباط با «حرز بن عبدالله» در چهار موضع دستخوش واگرایی و اختلاف در رویکرد هستند: ۱- منابع، نظر طوسی را در اینکه کنیه وی «ابوعبدالله» است تأیید می‌کنند و دیدگاه نجاشی که کنیه‌اش را «ابو محمد» قلمداد کرده، بر پایه و اساسی مبتنی نیست. ۲- در ارتباط با نژاد وی، نجاشی او را «آزدی» تلقی کرده که در عرب اصیل بودن وی ظهور دارد و چون عنوان «عربی» را- برخلاف بسیاری از موارد- پس از «آزدی» نیفزوده است، به نوعی دستخوش ابهام است و با عرب و عجم بودن وی انطباق پذیر است؛ ولی طوسی یک گام جلوتر گذاشته و او را «آزدی ولایی و الحاقی» و عجم به شمار آورده است. برخی دیگر همانند ابن داود و شیخ موسی زنجانی، نیز نظر طوسی را گزارش کرده‌اند. طبق قواعد اصولی، باید ظاهر کلام نجاشی را رها کرد و أخذ به نصّ شیخ طوسی کرد. ۳- با توجه به اینکه طوسی حدّأقل هفتاد حدیث امام صادق 7 را، با واسطه «حرز» در «تهذیب الأحکام» نقل نموده، سخن نجاشی را در اینکه موارد نقل وی از امام صادق 7 حدّاکثر دو مورد است، ناستوار ساخته است. ۴- اینکه نجاشی با توجه به خبر واحد توجیه پذیر، به مذمت «حرز» پرداخته، نمی‌تواند در برابر توثیق شیخ طوسی فقیه و حدیث شناس، علی بن ابراهیم قمی، ابن قولویه، شیخ صدوق و رجالیان بسیار دیگری، مقاومت کند. قرائن بسیاری، رویکرد طوسی را تقویت می‌کنند. فتوای حرز در کشته شدن دشنام دهنده امام 7 گفتاری جز سخن همه فقهای مکتب امامت از صدر اسلام تاکنون نیست، و از این رهگذر در موضع مذمت و جرح قرار نمی‌گیرد. روایت مذکور بر فرض صحت سند، بر تقیه و یا اتقا حمل می‌شود. جان مایه موضع امام صادق 7 اظهار نظری بر خلاف اعتقاد درونی خویش است تا با آن، جان خود امام و جان و مال حرز و سایر مؤمنان محفوظ بماند.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین،

قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

ابن داوود حلّی، حسن بن علی، *کتاب الرجال*، منشورات المطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۹۲ ه. ق. / ۱۹۷۲ م.

ابن عابدین، *حاشیه ردّ المحتار*، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۵ ه. ق.

ابن قدامه، عبد الرحمن، *الشرح الكبير*، دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع، بیروت، بی تا.

ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، تحقیق: جواد القیومی، نشر الفقاهه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، نشر الأدب الحوزه، قم.

ابن ندیم، محمد بن إسحاق، *الفهرست*، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۷ ه. ق.

اکبری، امیر، *تاریخ حکومت طاهریان*، چاپ اول، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۴ ش.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، *رجال البرقی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ه. ق.

حاکم نیشابوری، ابو عبد الله، *تاریخ نیشابور*، تصحیح: محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۵ ش.

حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، چاپ دوم، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۴ ه. ق.

حسن بن زین الدین (صاحب معالم)، *التحریر الطاووسی*، تحقیق: فاضل الجواهری، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۱۱ ه. ق.

حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی)، *شرایع الإسلام*، چاپ اول، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ ه. ق.

خمینی، روح الله، *تحریر الوسيلة*، مطبعة الآداب، دار الکتب العلمیة، النجف الأشرف، ۱۳۹۰ ه. ق.

خویی، ابوالقاسم، *تکملة منهاج الصالحین*، نشر مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ ه. ق.

_____، *معجم رجال الحدیث؛ مصحح و منقح*، بی جا، ۱۴۱۳ ه. ق. / ۱۹۹۲ م.

روحانی، محمد صادق، *فقه الصادق*، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۴ ه. ق.

زنجانی، موسی، *الجامع فی الرجال*، نسخه خطی، چاپخانه بیروز، قم، بی تا.

شهید ثانی، *الرعاية فی علم الدراية*، تحقیق محمد علی بقال، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ ه. ق.

شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.

طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، تصحیح سید حسن موسوی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ ه. ق.

_____، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ ش.

_____، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقاهة، قم، ۱۴۱۵ ه. ق.

_____، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقاهة، قم،

۱۴۱۷ ه. ق.

عرفانیان یزدی، غلامرضا، *مشایخ الثقات*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ ه. ق / ۱۳۷۷ ش. علامه حلّی، حسن بن یوسف، *إيضاح الإشتباه*، تحقیق: محمد حسون، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه. ق.

_____، *خلاصة الأقوال*، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقاهه، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.

فیاض، محمد إسحاق، *منهاج الصالحین*، المطبعة أمیر، مکتب الشیخ محمد إسحاق الفیاض، قم، بی تا. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمّی*، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ه. ق. کحلانی، محمد بن اسماعیل، *سبیل السلام*، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلّبی و اولاده، مصر، ۱۳۷۹ ه. ق.

کشّی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشّی*، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۴ ه. ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ ش.

مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۵ ش.

مصطفی، ابراهیم و دیگران، *المعجم الوسیط*، مؤسسه الصادق للطباعة والنشر، تهران، ۱۴۲۶ ه. ق.

مفید، محمد بن محمد، *الإختصاص*، تصحیح: علی اکبر غفاری، گنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

مقدسی، محمد بن احمد، *أحسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ ش.

منتظری، حسینعلی، *الأحكام الشرعية*، نشر تفکر، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۷ ه. ق.

نعمان مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، دار المعارف، قاهره، ۱۳۸۳ ه. ق.

نووی، محیی الدین، *المجموع*، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، بی تا.

وحید خراسانی، حسین، *منهاج الصالحین*، چاپ سوم، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم.